

پیشاهنگان شعر پارسی

به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی

شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۱

۲۹۸ صفحه

(۱)

قیمتی در لفظ دری

دکتر محمدجعفر معجوب

نسخه‌های کاملتر و مفصلتر تهیه شده و سرانجام برای کسانی که در کار ادب تحصیل می‌کنند و قرار است در فنون ادبی کارشناس و مجتهد شوند، متن کامل اثر با توضیحات و حواشی و نقد و تحلیل مفصل و موشکافیهای فنی و لغوی و هنری طبع شده و انتشار یافته است.

اما در ایران، صرفنظر از آنکه اساساً بسیاری از متنهای نظم و نثر فارسی هنوز به طبع نرسیده و نسخه‌های خطی آن آثار در گوشه و کنار کتابخانه‌های جهان خاک خورده شده است، آنچه نیز لباس طبع پوشیده یا به صورتی ناساز و بی‌اندام و سرشار از نقص و غلط انتشار یافته و یا اگر بخت مساعد مصححی دقیق و امین نصیب وی ساخته، متن کتاب به تفصیل و با ذکر نسخه بدل‌های گوناگون و در سطحی دور از فهم دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانی چاپ شده و نشر یافته است و نتیجه این طرز کار آن است که اگر در این محیط خواستاران و خریداران بازار ادب ما به سودای آشنایی با یک یا چند متن شعر و نثر کلاسیک فارسی در خاطر جوینده‌ای پدید آید، چون متن مورد نظر خویش را به دست آورد و نگاهی بدان افکند یا از نادرستی و آشفتگی آن می‌رمد و یا خویش را با انبوهی از نسخه بدل‌ها و ترکیبهای دشوار روبرو می‌یابد و از نخستین گام متوجه می‌شود که باید چند فرهنگ و کتاب مرجع برگرد خویش توده کند و برای دریافتن هر بیت چندبار متن را به کناری نهد و به سوی این فرهنگ و آن منبع و فلان مأخذ و بهمان تاریخ و دایرةالمعارف روی آورد، و خلاصه به زودی می‌بیند که خواندن و فهمیدن این‌گونه متن‌ها کار او نیست و نمی‌تواند برای آشنایی با آثار ادب فارسی یا حتی متنی معین از آن (به استثنای چند متن انگشت‌شمار و بسیار معروف از نوع گلستان سعدی) کتابی واحد به دست آورد، و جواب تمام مشکلات و حل همه نکات مورد نظر خویش را در همان کتاب بجوید و مجبور و محتاج به مراجعه و دیدن مأخذهای گوناگون نباشد.

همین کمبایی متنهای منتخب و روشن و دارای

کسانی که زبان فارسی را به عنوان زبانی بیگانه و غیرمادری فرا می‌گیرند اعتراف دارند که فارسی ما، زبانی نسبتاً ساده است و می‌توان با کوششی نه چندان جانکاه آن را آموخت، و بدان سخن گفت. اما وقتی فارسی خوان از مرز زبان و سخن گفتن می‌گذرد، و می‌خواهد آموختن ادب فارسی را آغاز کند، آنگاه دشواریها فرا می‌رسند و محصل خود را با ادبی وسیع و متنوع و دارای گوشه‌های دقیق و گاه دشوار و دور از ذهن روبرو می‌بیند. متأسفانه ما فارسی‌زبانان بدین نکته، به آسانی زبان فارسی و دشواری و پهنآوری ادب آن، کمتر توجه می‌کنیم و به فارسی سخن گفتن را نشان دانستن زبان (و شاید ادب آن نیز) می‌دانیم و خویش را بی‌نیاز از تحصیل ادب می‌پنداریم و این تصور باطل تا زمانی که محک تجربه به میان نیامده و خواندن و دریافتن شعری یا نثری مورد نظر قرار نگرفته است در ما باقی می‌ماند، در میان دانش‌آموزان و دانشجویان ما بسیارند کسانی که یا گمان می‌برند فارسی را نیک می‌دانند یا از اصل نیازی به تحصیل و آموختن آثار ادبی گذشتگان برای خود قائل نیستند و معتقدند که میراث نیاکان و گذشتگان چیزی مرده و بی‌شمر، و پرداختن به بحث و تحقیق در آن کاری بیهوده است.

البته شیوه تدریس ادب فارسی، و نحوه طبع و انتشار متنهای کلاسیک نیز به شیوع دادن چنین تصویری میدان می‌دهد: در تمام زبانهای زنده و گسترده دنیا متنهای قدیمی و شاهکارهای ادبی که دریافتن درست آن مستلزم تحصیل و تحقیق و درس خواندن است وجود دارد. لیکن از این‌گونه آثار نسخه‌ها و تحریرهای بسیار متنوع در اختیار تمام افراد و طبقات قرار گرفته است، چنان که کودکی دبستانی می‌تواند پس از گذراندن دو سه سال اول دبستان نسخه ساده شده تمام آثار بزرگ ادبی زبان مادری خویش و حتی سایر زبانهای اروپایی را به دست آورد و با واژگان محدود خویش خلاصه کلام و لب مطلب آن اثر را بخواند و دریابد، برای صاحبان سواد بیشتر نیز

توضیح کافی موجب شده است که هواخواهان و دوستداران معدود شعر و نثر قدیم نیز هر يك از گوشه‌ای فرا روند و از این کار چشم‌پوشند، در صورتی که هر چند ما برای عرضه کردن آثار درخشان ادب فارسی و آموختن آن به کودک دبستانی و جوان دانشگاهی کارهای انجام نیافته بسیار داریم و برای بسط و شناساندن ادب فارسی به ایرانیان به برنامه‌ای دقیق و درازمدت نیازمندیم، لیکن به هر صورت باید این کار را از جایی آغاز کرد و نخستین گامها را، هر چند کوتاه و با ثانی برداشت و متنها را به ترتیب - الاهم فالاهم، به صورتی معقول و پسندیده، منتخب و پاکیزه، با توصیفی کافی و درخور فهم جوانان دبیرستانی و دانشگاهی انتشار داد و کم‌کم رغبت آنان را به مطالعه آثار درخشان ادب فارسی برانگیخت، باشد که از میان همین گونه خوانندگان کسانی پیدا آیند که بتوان از ایشان برای نشر و توسعه این گونه آثار در میان افراد جوانتر، بین نوجوانان و کودکان کم سواد و نوسواد نیز استفاده کرد و متنهای ساده‌تر و کوتاه‌تر و آسانتر نیز ترتیب داد، و نیز گروهی محدودتر از ایشان را برانگیخت تا به کار تحقیق و تحلیل این گونه آثار پردازند، و کتابهای کاملتر، درخور مطالعه اهل تحقیق و ارباب تخصص انتشار دهند.

گمان می‌رود که انتشار مجموعه «سخن فارسی» که پنجمین کتاب آن به معرفی پیشاهنگان شعر فارسی اختصاص یافته برای تأمین همین منظور صورت گرفته است، دیگر کتابهای این مجموعه «سیاستنامه یا سیرالملوک» «سفرنامه ناصرخسرو»، «گزیده تاریخ بیهقی» و «گزیده اشعار خاقانی» شروانی است، و چنان که پیداست انتشار متنهای دیگری نیز در دستور کار قرار گرفته و مجموعه مذکور کم‌کم راه خود را باز کرده و در نزد دوستداران، مقام و موقعی شایسته یافته است.

اما در میان این مجموعه، از نظر سندیت و اهمیت و اعتبار و نیز فایده آن برای آموختن و شناختن شعر اصیل و کهن و در عین حال ساده و زیبای زبان فارسی، کتاب «پیشاهنگان شعر فارسی» از همه مهمتر می‌نماید. در این مجموعه منتخبی از آثار سی و نه تن از قدیمترین استادان سخن پارسی گردآوری شده که چند تن از ایشان، چون رودکی و شهید و ابوشکور بلخی و دقیقی و کسانی از استادان طراز اول شعر فارسی در شمارند. رودکی در جلالت قدر و بزرگی به مرتبه‌ای است که بعضی تذکره نویسان، گویندگان متقدم بر وی را در شمار شاعران نیاورده و او را پدر و بنیانگذار شعر فارسی خوانده و دفتر خویش را به نام او گشوده‌اند و به حقیقت در تاریخ شعر فارسی هیچ گوینده‌ای نیست که به اندازه رودکی مورد ستایش و آفرین شاعران خلف خود قرار گرفته باشد و بسیاری از گویندگان استاد در برابر سخن سهل و ممتنع این سخن آفرین بزرگ زانوی عجز بر زمین نهاده و یارای برابری با او را در خود نیافته و زبان به تحسین و آفرین وی گشوده‌اند، به نظم آمدن کلیله و دمنه بوسیله رودکی از حوادث بزرگ و درجه اول تاریخ ادب فارسی است، چندان که هیچ منبع مهمی در

تاریخ ایران و ادب فارسی نیست که از این حادثه یاد نکرده باشد و حتی فردوسی که موضوع شاهنامه او تاریخ ایران پیش از اسلام است در ضمن شرح دوران فرمانروایی انوشروان و حوادث آن فصلی در باب کلیله و دمنه باز رانده و از کلیله رودکی و منظوم شدن آن نیز به تفصیل یاد کرده است. یکی از نتیجه‌های بسیار مهم این حادثه ادبی فراهم آمدن و تدوین حماسه ملی و نظم شدن آن است. در مقدمه شاهنامه ابومنصور، قدیمترین نمونه نثر فارسی گفته شده است که چون رودکی در زمان امیر نصر کلیله را به نظم آورد، در مدتی کوتاه کلیله در زبان خرد و بزرگ افتاد و نام امیر نصر بدان زنده گشت و همین شهرت بیمانند کلیله و دمنه و جاویدان شدن نام بانی آن ابومنصور عبدالرزاق سپهسالار خراسان را که منش مهتران داشت و اदार کرد که وزیر خویش ابومنصور معمري را به اقدام برای احضار راویان داستانهای ملی و تدوین این روایتها و نوشتن شاهنامه مأمور کند. کلیله و دمنه پیش از سال ۲۲۵ ه. ق. به نظم آمده و در سال ۳۴۶ یعنی فقط بیست و یک سال بعد از آن کار تألیف و تدوین شاهنامه منشور انجام یافته و در ظرف همین مدت کوتاه است که ده قرن و نیم پیش از عصر ما به سالی چند کلیله رودکی در زبان خرد و بزرگ افتاده است.

ابوشکور و ابوالحسن شهید بلخی را نیز در شعر همپایه رودکی شمرده‌اند و در شعر استادان خراسان همواره نام «شهید و رودکی» قرین یکدیگر است و در کتاب «پیشاهنگان شعر پارسی» از میان شعرهای معدود بازمانده از این گونه شاعران انتخابی سخت نیکو و استادانه رفته است.

سالها پیش، از آقای دکتر دبیرسیاکی کتابی به نام «گنج بازیافته» انتشار یافت. این کتاب چنان که از نامش نیز پیداست حاوی شعرهای چندتن از همین گونه شاعران بود. کتاب جنبه تحقیقی داشت و در آن آثار پراکنده گویندگانی چون دقیقی و ابوشکور و شهید بلخی و ابوطیب مصعبی و لیبیبی قانجا که امکان داشت به صورت کامل (نه منتخب) و بدون توضیح و تفسیر و شرح گردآوری شده و مؤلف وعده داده بود که جلد دوم کتاب، شامل آثار گروهی دیگر از این دست شاعران نیز انتشار خواهد یافت. لیکن کساد بازار ادب موجب شد که باقی این گنج شایگان چون گنج قارون خاک خورده شود و ناشرزیربار انتشار دادن مجلد بعدی نرود. اکنون جای خوشوقتی است که دست کم برگزیده‌ای از یادداشت‌های منتشر نشده دکتر دبیرسیاکی - که بیشک بهترین و زیباترین آنها نیز هست - با شرح و توضیح، به صورتی پسندیده و درخور استفاده عموم (و نه تنها کارشناسان و دست‌اندرکاران ادب فارسی) انتشار می‌یابد.

«طلایه‌داران» شعر فارسی که در این کتاب یاد شده‌اند عبارتند از: حنظله بادغیسی - محمود وراق - فیروز مشرقی و ابوسلیک گرگانی.

بدین قرار نام آن سه تن گوینده که تاریخ سیستان

آنان را نخستین شاعران زبان فارسی می‌دانند، یعنی محمد بن وصیف سیستانی و بسام کورد خارجی و محمد بن مغلد در جزء طلایه‌داران یاد نشده‌اند. داستانی که صاحب تاریخ سیستان برای پدید آمدن نخستین شعر فارسی (به سال ۲۵۱ ه. ق.) یاد می‌کند سخت معروف است و آن اینکه یعقوب با عمار خارجی جنگید و او را بشکست و یکشب شاعران وی را تهنیت گفتند به تازی (صاحب تاریخ سیستان بیتی چند از تهنیتنامه عربی را نیز نقل می‌کند) به گفته مؤلف این کتاب یعقوب عالم نبود در نیافت (یا دلش نخواست در یابد و بدین رسم غلط که امیران فارسی زبان را به تازی تهنیت گویند صحه بگذارد) و گفت سخنی که من اندر نیابم چرا باید گفت؟

سپس بنا به روایت تاریخ سیستان پسر وصیف که دبیر دیوان رسائل یعقوب و مردی فاضل بود قصیده‌ای به فارسی در ستایش یعقوب می‌سراید. این همان قصیده معروف «ای امیری که امیران جهان خاصه و عام...» است که نویسنده تاریخ سیستان پس از نقل هفت بیت آن می‌گوید و این قصیده دراز است و برای رعایت اختصار به همین مقدار اکتفا کردیم و بدین ترتیب قصیده‌ای را که (به قول خود او) نخستین سرمشق شعر عروضی و کلاسیک فارسی است به یاد فنا داده است!

دو شاعر دیگر نیز از پسر وصیف پیروی می‌کنند و زبان به ستایش یعقوب می‌گشایند و نویسنده تاریخ سیستان شعر آن دو را نیز مثله کرده است.

این قطعات از نظر تاریخی و داشتن قدمت و شان نزول درست و دقیق اهمیت بسیار دارند، و گویا که در بعضی مأخذها شاعرانی چون حنظله بادغیسی و محمود وراق و دیگران را بسیار قدیمتر از محمد بن وصیف و یارانش شمرده‌اند لیکن همان‌گونه که استاد صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» خویش تصریح کرده‌اند شعر حنظله و محمود وراق پخته‌تر و زیباتر و استادانه‌تر از آن است که بتواند به نیمه اول قرن سوم تعلق داشته باشد و در حال این نکته مسلم است که به گفته تذکره نویسان در باب دوران حیات این استادان نه تنها نمی‌توان اعتماد کرد، بلکه گاهی مؤلفی واحد مانند هدایت در مجمع‌الفصحا در دو جا دو تاریخ وفات مختلف برای یکی از این شاعران آورده و خود قول خویش را نقض کرده است.

در هر صورت قصد بنده بحث در تاریخ ادب و پیش

و پس کردن «طلایه داران» شعر فارسی نبود و آنچه در آن تردیدی ندارم این است که هرگز نام کسانی چون محمد بن مغلد و پسر وصیف و بسام کورد خارجی از نظر موشکاف و دقیقه‌یاب دکتر دبیرسیاقتی پنهان نمانده است لیکن اگر شعر ایشان در این مجموعه نقل نشده برای آن است که هدف این کتاب استقصا نیست و از طرف دیگر نظر مؤلفان آن است که متنهای شعر و نشر فارسی به صورتی دلپذیر و جالب توجه به خوانندگانی که می‌خواهند نخستین گامها را برای آشنایی با ادب کهنسال فارسی بردارند عرضه شود و بدیهی است که در این مجموعه شعرهایی چون:

از لسی خطی در لوح که ملکی بدهید

به ابی یوسف یعقوب بن اللیث همام...

لمن الملك بخواندی تو امیرایقین

با قلیل الفئه کت داد بر آن لشکر کام...

عمر عمار تورا خواست وزو گشت بری

در آکارتن او سر اوباب طعام

و یا:

معجز پیغمبر مکی تویی

به منش و به روش و به گوشت

جایی نخواهند داشت.

از میان آن شاعران آنان که نامدارترند و مدارکی نیز برای روشن ساختن کارنامه زندگی ایشان در دست است احوالشان نسبتاً با تفصیل بیشتر بیان شده و شعرشان با بینظیری و روشن بینی به ترازوی نقد سنجیده شده است. مؤلف در هنگام نقل هر قطعه توضیح و شرح کافی برای فهم آن در ذیل همان قطعه آورده، لیکن علاوه بر آن برای شناختن کسانی که نامشان در شعرها آمده، شرحی در تحت عنوان «شرح نامهای کسان و جایها و کتابها و جزآن» بر کتاب افزوده (۲۰۷-۲۲۶) و سپس واژه‌نامه‌ای الفبایی با حروف معرب برای ضیبط صحیح لغات ترتیب داده (۲۲۷-۲۶۵) و در پایان فهرست نامهای کسان و جایها و کتابها را آورده است.

کتاب مانند تمام کتابهایی که در این مجموعه انتشار یافته بسیار کم غلط و خوش چاپ و دارای صحافی و جلد زیباست و بیشک علاوه بر آن که علاقه‌مندان و مبتدیان کار آشنایی با ادب فارسی از آن فایده و لذت بسیار خواهند برد، ممکن است مورد استفاده اهل فن نیز قرار گیرد. □

